

معیار تفکیک جرایم «مختلف» از جرایم «غیرمختلف» در اعمال قواعد تعدد مادی جرم

مهرانگیز روستائی*، حامد رحمانیان**

چکیده

نحوه تعیین مجازات برای مرتکبین جرایم متعدد همواره موضوع مباحث نظری و تحولات تقنینی بوده است. قانونگذار ایران در آخرین تحولات ناشی از قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، با تفکیک میان جرایم «مختلف» از غیر آن در وضعیت تعدد مادی جرم، احکام متفاوتی مقرر داشته اما از تعیین معیار و ضابطه برای تفکیک این دو دسته جرایم از یکدیگر استتکاف ورزیده است که همین امر موجب تشتت آرا و رویه‌ها در این خصوص می‌گردد. در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی چهار ضابطه جهت شناسایی جرایم غیرمختلف تبیین و نقد شده‌اند: وحدت عنوان مجرمانه، وحدت عنصر قانونی، وحدت عناصر متشکله جرم، وحدت عناصر متشکله مجازات. در پایان با توجه به ایرادات و مزایای هر یک از این تفاسیر، ضابطه وحدت عناصر متشکله مجازات به جهت سازگاری با اصول حاکم بر حقوق کیفری و تفسیر مضیق نصوص جزایی، بیش از سایر تفاسیر، کاشف نظر مقنن دانسته شده و به عنوان دیدگاه مختار، معرفی گردیده است. واژگان کلیدی: جرایم مختلف، جرایم یکسان، جرایم مشابه، تعدد جرم، تعدد مادی

* استادیار گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران (نویسنده مسئول)

m.roustaie@gmail.com

** قاضی دادگستری، دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

hamed403@yahoo.com

مقدمه

تعدد جرم به‌عنوان یکی از جهات عام و عینی تشدید مجازات با معیارهای چندگانهٔ تقنینی، دسته‌بندی‌های مختلفی به خود دیده است. در تمییز تعدد واقعی از اعتباری، ارتکاب بیش از یک رفتار مادی مجرمانه که هر یک به تنهایی عناصر جرم را در خود جمع می‌کند (نوربها، ۱۳۸۲: ۴۵۳) و در برخی اقوال تعدد نتیجه (طاهری‌نسب، ۱۳۸۱: ۱۴۲-۱۴۱؛ فروغی و جودکی، ۱۳۹۴: ۱۰۴) و در تمییز تعدد از تکرار جرم، وجود یا فقدان محکومیت قطعی یا اجرای مجازات برای جرایم ارتكابی متعدد از سوی یک نفر (پیمانی، ۱۳۷۴: ۴۹۵) به‌عنوان ضوابط تشخیصی پذیرفته شده است؛ با این حال، یافتن قاعده‌ای برای نحوهٔ تعیین مجازات جرایم متعدد ارتكابی توسط مرتکب واحد، همواره هم از حیث نظری و هم از جنبهٔ عملی، موضوع تأملات حقوقی و تحولات قانونی بوده است. برخی برخورد متفاوت با مرتکب جرایم متعدد در مقایسه با مرتکب جرم واحد را لازمهٔ عدالت دانسته‌اند (اردبیلی، ۱۳۹۶: ۱۷۸) و در مقابل، پاره‌ای اندیشمندان تجمع اتهامات متعدد تعیین تکلیف نشده برای متهم را ناشی از ضعف و ناتوانی دستگاه عدالت کیفری دانسته و سختگیری بر وی را خلاف عدالت می‌دانند (علی‌آبادی، ۱۳۹۲: ۲۵۸). برخی به انکار تعدد جرم متوسل شده و جمع مجازات‌ها را تجویز می‌کنند (علی‌آبادی، ۱۳۹۲: ۲۶۸) و پاره‌ای دیگر، مشکلات عملی عیدیهٔ ناشی از جمع مجازات‌ها را به رخ می‌کشند (جعفری، ۱۳۹۲، ۱۸۰-۱۷۹). در این میان قانون‌گذار ایران نیز از این سردرگمی مصون نبوده و نگاهی به سابقهٔ تقنینی در این حوزه به خوبی مؤید این امر است که مسئلهٔ تعیین کیفر در وضعیت تعدد جرم، همواره یکی از کانون‌های اصلاح و تغییر قوانین بوده است (میرمحمدصادقی، درزی رامندی، ۱۳۹۹: ۵۵-۵۴).

در نخستین تجربهٔ قانون‌گذاری در باب تعدد مادی جرم، قانون‌گذار موضوع را به اختصار برگزار کرده و صرفاً در مادهٔ ۳۳ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ مقرر داشته بود: «هرگاه شخصی جرمی را مکرراً مرتکب شده بدون اینکه حکمی درباره او صادر شده باشد برای هر جرمی حکم مجازات علی‌حده صادر نمی‌گردد ولی محکمه مجرم را به حداکثر مجازات محکوم خواهد نمود». استفاده از عبارت «جرمی را مکرراً» در این ماده تبادر در این داشت که حکم ماده منحصر به تعدد مادی جرایم یکسان است و سکوت مقنن پیرامون جرایم مختلف، حاکی از این بود که قائل به جمع مجازات‌ها در این فرض است. اعتبار این مقرر دیری نمی‌پاید و در تاریخ ۱۳۱۱/۷/۱۲ با تصویب «قانون متمم اصلاح اصول محاکمات جزایی» و نسخ صریح مادهٔ ۳۳ مارالذکر، یکسان یا متفاوت بودن جرایم ارتكابی، تأثیر خود را از دست می‌دهد و این‌گونه مقرر می‌شود که در تعدد مادی جرم، صرف‌نظر از یکسان بودن یا نبودن جرایم، مرتکب باید بابت هر جرم، به حداکثر مجازات آن جرم

محكوم شود اما در مقام اجرا فقط مجازات اشد اجرا گردد. سپس در نخستين اصلاح بنيادين قوانين كيفري در سال ۱۳۵۲ مقنن در ماده ۳۲ قانون مجازات عمومي دست به اصلاحات اساسي در باب تعدد مادی جرم زد و تعدد جرم را موجب تشديد مجازات و ميزان و نحوه تشديد را تابعي از «تعداد» جرایم ارتكابي قرار داد؛ بدین سان كه ميزان تشديد مجازات در تعدد میان دو یا سه جرم، متفاوت با ميزان تشديد مجازات در تعدد میان چهار جرم و بیشتر مقرر گردید.^۱

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در فرایند اسلامی سازی قوانین کشور به تبعیت از احکام مقرر در باب حدود، نحوه صدور حکم به مجازات جرایم متعدد صرفاً دائر مدار «مختلف» بودن یا نبودن جرایم قرار گرفت (پوربافرانی، ۱۳۸۴: ۳۳). این حکم به رغم انتقاد وارد بر آن از این حیث كه تفاوتی از جنبه جامعه ستیزی و خطرناکی میان مجرمی كه چندبار نقض قوانین يكسان کرده با مجرمی كه قوانین مختلف را نقض کرده است وجود ندارد (زراعت، ۱۳۹۳: ۲۰۱)، هم در ماده ۲۵ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ و هم در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ تکرار شد: «در مورد تعدد جرم هرگاه جرایم ارتكابي مختلف باشد باید برای هر يك از جرایم مجازات جداگانه تعیین شود؛ اگر مختلف نباشد فقط يك مجازات تعیین می گردد و در این قسمت تعدد جرم می تواند از علل مشدده كيفر باشد و اگر مجموع جرایم ارتكابي در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد مرتكب به مجازات مقرر در قانون محكوم می گردد». این رویکرد دوگانه قانون گذار كه با انتقاداتی مبنی بر مخالفت با انصاف و عدالت، در تعارض بودن با اهداف تدوین حقوق كيفري و اعمال مجازات های شدید و طولانی (حاجی ده آبادی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰۴) توأم بود سالیان متمادی ادامه داشت تا اینکه در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانون گذار در چرخشی آشکار ضمن کنار گذاشتن قاعده جرایم مختلف و يكسان، عیناً حکم مقرر در قانون مجازات عمومي سال ۱۳۵۲ را احیا نمود (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۵: ۵۳-۵۲).

همان گونه كه ملاحظه می شود در این سیر تقنینی نحوه عمل در قبال تعدد مادی جرم یا تابعی از يكسان بودن و نبودن جرایم ارتكابي صرف نظر از تعداد آنها بوده یا تابعی از تعداد جرایم ارتكابي

۱. الف - در مورد تعدد جرم هر گاه جرائم ارتكابي از سه جرم بیشتر نباشد دادگاه مكلف است برای هر يك از آن جرائم حداكثر مجازات مقرر را مورد حکم قرار دهد و هر گاه جرائم ارتكابي بیش از سه جرم باشد دادگاه مجازات هر يك از جرائم را بیش از حداكثر مجازات مقرر قانونی معین می کند بدون اینکه از حداكثر به اضافه نصف آن تجاوز نماید. در هر يك از موارد فوق فقط مجازات اشد قابل اجرا است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یا تبدیل یافته یا غیر قابل اجرا بشود مجازات اشد بعدی اجرا می گردد در صورتی كه مجموع جرائم ارتكابي در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد مقررات تعدد جرم رعایت نخواهد شد و مرتكب به مجازات مقرر در قانون محكوم می گردد.

صرف نظر از مختلف بودن یا نبودن آن‌ها. اما مقنن در اصلاحی که در سال ۱۳۹۹ به موجب ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اعمال کرد هر دو ضابطه فوق را با یکدیگر تلفیق نمود بدین‌سان که:

اولاً اگر جرایم ارتكابی غیر مختلف باشند صرفاً یک مجازات با اعمال قواعد تشدید^۱ و اگر جرایم مختلف باشند چند مجازات با اعمال قواعد تشدید تعیین می‌گردد.

ثانیاً نحوه و میزان اعمال تشدید مجازات در جرایم یکسان و مختلف از یک قاعده تبعیت می‌کند و در هر دو حالت، تابعی از تعداد جرایم ارتكابی است.

ثالثاً در هر صورت در مقام اجرا صرفاً مجازات اشد موضوع دادنامه اجرا می‌شود.

بنابراین برای آنکه بتوان به درستی و آن گونه که مدنظر مقنن است قواعد تعدد مادی جرم را اعمال کرد، ضروری است ابتدا تشخیص دهیم که جرایم متعدد ارتكابی توسط متهم، یکسان‌اند یا مختلف. این در حالی است که قانون‌گذار در این خصوص سکوت اختیار کرده و از ارائه ضابطه و معیاری برای مختلف دانستن یا ندانستن جرایم خودداری کرده است. با توجه به این سکوت قانونی از یک سو و ضرورت تعیین تکلیف پرونده‌های کیفری توسط مقامات قضایی از سوی دیگر چاره‌ای جز تفسیر قانون نیست.^۲ در این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی انواع تفاسیر و تحلیل‌های موجود در این زمینه

۱. با این توضیح که در این حالت، اعمال تشدید مجازات، الزامی نیست و از اختیارات دادگاه است.
۲. اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه‌های مشورتی شماره ۹۹/۷/۴۱۵ مورخ ۱۳۹۹/۴/۱۵ و ۹۹/۷/۴۳۱ مورخ ۱۳۹۹/۴/۱۸ در پاسخ به این سؤال که منظور از جرایم غیر مختلف در ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری چیست، پاسخ خود را در چند بند بدون ابتنای آنها بر مبنای مشخصی به شرح زیر بیان کرده که به فراخور بحث، در بخش‌های مختلف مقاله بدان‌ها پرداخته شده است: ۱- ارتكاب یک جرم خاص به صورت متعدد؛ مانند ارتكاب متعدد سرقت‌های منطبق با یک ماده مشخص ۲- جرایمی که به رغم عنصر قانونی و متفاوت بودن مجازات‌ها، تحت عنوان جرم واحد شناخته می‌شوند؛ مانند سرقت‌های متعدد، جعل اسناد مختلف، صدور چک بلامحل به هر شیوه که در قانون مقرر شده است. ۳- رفتارهای متعدد مجرمانه که موضوع آنها واحد است؛ مانند حمل، نگهداری، فروش، صادرات، واردات و ساخت مواد مخدر از نوع واحد، مشروبات الکلی، تجهیزات دریافت از ماهواره و اسلحه و مهمات از نوع واحد ۴- دو یا چند رفتار مجرمانه که در یک ماده قانونی ذکر و برای آنها مجازات پیش بینی شده است. ۵- ارتكاب جرایمی که مجازات جرم دیگر درباره آنها مقرر شده است یا طبق قانون جرم دیگری محسوب می‌شود؛ مانند کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده است و یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود. ۶- شروع، معاونت و مباشرت در یک جرم. ضمناً در مواردی که به موجب نص خاص یا رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور از قبیل رأی شماره ۶۲۴ مورخ ۱۳۷۷/۱/۱۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور (جعل و استفاده از سند مجعول) برخلاف ضوابط و معیارهای فوق احکام خاصی مقرر شده باشد به همان ترتیب عمل می‌شود.

را مطرح کرده و ابتدا هریک از آن‌ها را توصیف و تبیین نموده و سپس به تحلیل و ارزیابی آن‌ها می‌پردازیم تا از رهگذر مزایا و معایب هریک از این تفاسیر بتوانیم در نهایت صحیح‌ترین و حقوقی‌ترین برداشت که بیشترین انطباق با اصول حقوقی و نظر مقنن داشته باشد را بیابیم.

۱. وحدت عنوان مجرمانه

نخستین و رایج‌ترین معیاری که برای شناسایی جرایم یکسان و تفکیک آن از جرایم مختلف ارائه می‌شود آن است که کلیه جرایمی که ذیل یک نام و عنوان واحد قرار می‌گیرند همگی جرم یکسان و مشابه به حساب می‌آیند و هنگامی که وصف مجرمانه آن‌ها متفاوت است از نوع جرائم مختلف محسوب می‌شوند (اعظمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۶۴-۱۶۳). در ادامه به تبیین و سپس ارزیابی این دیدگاه می‌پردازیم.

۱-۱. تبیین تفسیر

طبق این دیدگاه، وجود نام و عنوان واحد برای جرایم متعدد موجب می‌شود که همه این جرایم، یکسان و غیرمختلف به حساب آیند و در نتیجه نحوه تعامل با آن‌ها هنگام تعیین مجازات در وضعیت تعدد مادی جرم، متفاوت با جرایم مختلف خواهد بود (مصدق، ۱۳۹۹: ۱۲۶). بر این اساس کلیه جرایم جعل صرف نظر از اینکه موضوع جعل، سند عادی باشد یا رسمی، امضا باشد یا مهر، اسکناس باشد یا مدرک تحصیلی و غیر این‌ها همگی جرم یکسان به حساب آمده و بر این مبنا، اگر به عنوان مثال شخصی مرتکب جعل در مبیعه‌نامه عادی، جعل اسکناس، جعل در سند رسمی و نیز جعل مدرک تحصیلی شده باشد، کلیه این اتهامات چهارگانه، از مصادیق ارتکاب جرایم یکسان به حساب آمده و وفق ماده ۱۳۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی برای مرتکب صرفاً یک مجازات تعیین خواهد شد و در این صورت دادگاه در صورت صلاحدید می‌تواند تشدید مجازات را نسبت به همین مجازات واحد اعمال نماید.^۱ همچنین بر اساس این دیدگاه کلیه جرایم سرقت، کلیه جرایم جاسوسی و کلیه جرایم کلاهبرداری یکسان محسوب شده و از قاعده فوق تبعیت می‌نمایند. بنابراین به عنوان مثال اگر شخصی مرتکب چند فقره سرقت ساده (موضوع ماده ۶۶۱) سرقت مقرون به پنج شرط (ماده ۶۵۱) جیب‌بری (ماده ۶۵۷) و سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار (ماده ۶۵۲) همگی از کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی شده باشد مرتکب جرایم یکسان شده و بر این مبنا با وی برخورد خواهد شد.

۱. در موارد زیر جرائم «غیرمختلف» محسوب می‌شوند: ۱- ... ۲- جرایمی که به رغم عنصر قانونی و متفاوت بودن مجازات‌ها، تحت عنوان جرم واحد شناخته می‌شوند: مانند سرقت‌های متعدد، جعل اسناد مختلف، صدور چک بلامحل به هر شیوه که در قانون مقرر شده است.... (نظریه‌های شماره ۹۹/۷/۴۳۱ مورخ ۱۳۹۹/۴/۱۸ و شماره ۹۹/۷/۴۰۷ مورخ ۱۳۹۹/۴/۱۵)

هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز در رأی وحدت رویه شماره ۶۰۸ مورخ ۱۳۷۵/۶/۲۷ بدون توجه به تفاوت‌های میان جرایم مختلف چک پرداخت نشدنی به‌ویژه در عنصر روانی با پذیرش این قرائت مقرر داشته است: «نظر به اینکه صدور چک‌های بلامحل، وعده‌دار و تضمینی و غیره موضوع مواد ۳ و ۷ و ۱۰ و ۱۳ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ و اصلاحی آن در سال ۱۳۷۲، در صورتی که از جانب یک نفر انجام شده باشد، از نوع جرایم مختلف نبوده، بلکه جرایم مشابهی هستند...»^۱

برخی به همین میزان بسنده می‌کنند اما برخی دیگر پا را از این فراتر گذاشته و نه تنها جرایم ذیل یک عنوان واحد، بلکه شروع و معاونت در این جرایم را نیز در مقایسه با جرم تام آن‌ها از مصادیق جرم یکسان به حساب آورده و حکم فوق را جاری می‌دانند (نوربها، ۱۳۸۲: ۴۳۸). به‌عنوان مثال اگر شخصی در حین ارتکاب سرقت از منزل موضوع ماده ۶۵۶ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی دستگیر شود و در مرحله تحقیقات، به ارتکاب سه فقره سرقت تام در روزهای قبل که همگی مشمول ماده ۶۶۱ قانون فوق هستند اقرار نماید، وی مرتکب چهار فقره جرم یکسان گردیده است: یک فقره شروع به سرقت موضوع ماده ۶۵۶ و نیز سه فقره سرقت تام ماده ۶۶۱ همگی یکسان به حساب می‌آیند.^۲

۱-۲. ارزیابی تفسیر

دیدگاهی که در بالا تبیین شد دارای جذابیت و به تبع آن طرف‌داران زیادی است. چراکه ظاهراً از سادگی بسیاری برخوردار است و تشخیص جرایم یکسان را به راحتی یافتن اسم و عنوان جرم تنزل داده و از این حیث بسیار کارگشا می‌نماید. با وجود این پذیرش این دیدگاه و اجرای آن در مقام عمل، دارای ایرادات و معایب قابل توجهی است که تمسک به این تفسیر را با تردید جدی مواجه می‌سازد. نخستین ایراد آن است که ضابطه‌ای اقناع‌آور برای تسمیه جرایم به اسم و عنوان مشخص، در دست نیست. به بیان دیگر از آن‌جا که غالباً قانون‌گذار فقط به تبیین عناصر مشکله جرم و وضع مجازات برای آن مبادرت می‌کند و اسم خاصی برای جرایم تعیین نمی‌کند، لذا وضع یک اسم یا عنوان برای هر جرم، امری اعتباری و بعضاً سلیقه‌ای است و معلوم نیست که چه جرایمی ذیل اسم و عنوان واحد و در نتیجه، در زمره جرایم یکسان قرار می‌گیرند. برای مثال می‌توان به ذائقه قانون‌گذار در جرم‌انگاری انواع متفاوتی از سرقت اشاره کرد. در این طیف گسترده از عناوین متعددی مانند

۱. در حال حاضر از صدور چک‌های وعده‌دار و تضمینی جرم‌زدایی شده است (نک: ماده ۱۳ قانون صدور چک اصلاحی ۱۳۹۷)

۲. در موارد زیر جرائم «غیرمختلف» محسوب می‌شوند: ۱-... ۶- شروع، معاونت و مباشرت در یک جرم. (نظریه‌های شماره ۹۹/۷/۴۳۱ مورخ ۱۳۹۹/۴/۱۸ و شماره ۹۹/۷/۴۰۷ مورخ ۱۳۹۹/۴/۱۵) نیز نک: نظریه مشورتی شماره ۲۶۵۶/۷ که مقرر داشته است: «شروع به کلاهبرداری و کلاهبرداری از جرایم مشابه محسوب می‌گردند».

راهزنی، جیب‌بری، کیف‌زنی، دزدی، ربایشی که مشمول عنوان سرقت نیست و مانند آن استفاده کرده است (آقایی‌نیا و رستمی، ۱۳۹۷: ۱۴۹). برای رفع این ایراد یک راهکار آن است که معیار تشخیص را همان اسم و عنوانی بدانیم که برای هر یک از فصول و ابواب قانونی توسط قانون‌گذار تعیین شده و لذا کلیه جرایمی که ذیل یک فصل یا باب مشترک از قانون قرار می‌گیرند همگی یکسان به حساب آیند. این راهکار، از آن جهت که نه جامع است و نه مانع، پذیرفتنی به نظر نمی‌رسد. از یک سو جامع نیست چون بر اساس این برداشت، فقط جرایمی که ذیل یک فصل قرار می‌گیرند یکسان به حساب می‌آیند و اگر جرایمی کاملاً هم‌جنس و هم‌سنخ با جرایم این فصل، در یک قانون دیگر یا در یک فصل دیگر تعریف شده باشند، چون هم‌فصل با جرایم گروه نخست نیستند، نسبت به یکدیگر «مختلف» به حساب می‌آیند. به‌عنوان مثال جرم نشر اکاذیب رایانه‌ای موضوع ماده ۷۴۶ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی به‌رغم آنکه از لحاظ محتوا و ارکان و عناصر متشکله کاملاً شبیه و نظیر جرم نشر اکاذیب سنتی موضوع ماده ۶۹۸ این قانون است به‌رغم وحدت اسم و عنوان، چون ذیل دو فصل و بخش مختلف قرار دارند لذا مختلف به حساب می‌آیند. از سوی دیگر این راهکار، مانع اغیار نیز نبوده و اعمال آن می‌تواند منجر به این شود که جرایم ذاتاً مختلف و متفاوتی صرفاً به این دلیل که ذیل یک فصل آمده‌اند، یکسان به حساب آیند. به‌عنوان مثال جرم شرکت در آزمون به‌جای دیگری موضوع ماده ۵۴۱ کتاب تعزیرات در کنار جرم جعل، جرم ساخت وسیله برای ارتکاب جرم موضوع ماده ۶۶۴ در کنار جرم سرقت، جرم مزاحمت تلفنی موضوع ماده ۶۴۱ در کنار جرم رابطه نامشروع تعزیری و جرم سوءاستفاده از سفیدمهر و سفیدامضا موضوع ماده ۶۷۳ در کنار خیانت در امانت و ذیل یک فصل آمده‌اند و بنابراین همگی جرم مشابه و یکسان تلقی خواهند شد. حتی از این‌ها فراتر موضوع فصل پانزدهم کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی، ارتشاء و ربا و کلاهبرداری است و بررسی مواد ذیل این فصل نشان می‌دهد که ماده ۵۹۶ را که تحت عنوان سوءاستفاده از ضعف نفس محجور نیز شهرت پیدا کرده است باید کلاهبرداری دانست که با جرم موضوع ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری تشکیل‌دهنده جرایم یکسان خواهند بود. حال آنکه به نظر می‌رسد هیچ‌یک از این نتایج به‌دلیل تفاوت اساسی در ماهیت جرایم مذکور، صحیح و قابل قبول نباشد.

راهکار احتمالی دیگر آن است که ملاک، اسم و عنوان عرفی و معمول و مرسوم جرایم باشد و لذا جرم‌هایی که در عرف جامعه و عرف حقوقی قضایی کشور، هم‌نام شمرده می‌شوند همگی یکسان تلقی خواهند شد. به بیان دیگر جرایم مختلف، جرایمی هستند که هیچ ارتباط یا شباهتی از نظر عنوانی با یکدیگر نداشته باشند (احمدزاده و تام، ۱۳۹۹: ۱۰۰). این راهکار نیز راهگشا نیست چراکه

صرف نظر از اختلاف نظرها و رویه‌های مختلف در نام‌گذاری جرایم که ناشی از اختلاف دیدگاه و سلیقه است، در موارد متعددی مشاهده می‌شود که اسامی جرایم به دقت برای آن‌ها انتخاب نمی‌شود. به‌عنوان نمونه در عرف اجتماعی و بعضاً انتظامی و حقوقی کشور، با عناوینی همچون «برق‌زدی» یا «سرقت ادبی» مواجه می‌شویم که به ترتیب ناظر بر جرم استفاده غیر مجاز از برق و نقض حقوق مالکیت فکری هستند اما بعید است کسی قائل به این باشد که این جرایم، شبیه جرایم سرقت بوده و در مقام تعدد باید همه این‌ها را جرایم یکسان در نظر گرفت. در رویه قضایی می‌توان شاهد آرای هم‌سو با این قرائت بود. برای مثال در یکی از نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه با شماره ۶۳/۸/۷-۲/۳۹۵۶ چنین آمده است: «شروع به سرقت طبق ماده ۱۰۹ قانون تعزیرات جرم است و همانند سرقت مجازات نیز دارد و در صورت ارتکاب سرقت و شروع آن در دو مورد، تعدد محقق است که در این حالت برای هر جرم مجازات مربوط به آن تعیین می‌گردد و هرگاه برای هر یک حکم جداگانه‌ای صادر شده باشد، هر دو حکم باید اجرا شود».

دومین ایراد آن است که این تفسیر، با مبنای فقهی قانون‌گذار که زیربنای این نحو قانون‌گذاری بوده چندان سازگار نیست (الهام، ۱۳۷۲: ۴۹). توضیح اینکه خاستگاه ورود این ایده که در وضعیت تعدد مادی جرایم، میان جرایم یکسان و متفاوت، فرق گذاشته شود، احکام و آراء فقهی در باب موضوع بوده است و بر این اساس که اصولاً در جرایم دارای صبغه فقهی، برای ارتکاب جرایم یکسان، فقط یک مجازات تعیین می‌شود و در غیر این صورت کلیه مجازات‌ها با هم جمع می‌شوند، تقنین حاضر صورت گرفته است (پوربافرانی؛ ۱۳۸۴: ۳۸). این در حالی است که در همان منابع فقهی و شرعی نیز صرف هم‌نام و هم‌نوع بودن جرایم ارتكابی، برای تعیین تنها یک مجازات کفایت نمی‌کند. کما اینکه در ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی نیز تصریح شده است که شرط لازم برای یکسان دانستن جرایم حدی آن است که جرایم ارتكابی علاوه بر اسم و «عنوان» واحد، دارای «مجازات» یکسان نیز باشند. این مقرر به خوبی نشان می‌دهد که در جرایم حدی، جرایم به‌رغم هم‌نامی (مانند اینکه فرد، مرتکب چند فقره زنا شده باشد) به محض تفاوت مجازات (مانند شلاق، اعدام، رجم) وصف یکسان بودن خویش را از دست داده و باید آن‌ها را جرایم مختلف به حساب آورد و تعیین مجازات یکسان تنها در شرایط خاص پیش‌بینی شده در تبصره ۳ این ماده (وحدت مرتکبین جرم) امکان‌پذیر است.

ایراد سومی که متوجه این تفسیر است ایراد عملی وارد بر آن است که منجر می‌شود در بسیاری موارد، اساساً امکان اعمال قاعده تعدد جرم و تعیین مجازات برای مرتکب وجود نداشته باشد (احمدزاده و تام، ۱۳۹۹: ۱۰۲). توضیح آنکه تنها ثمره عملی برای یکسان دانستن یا ندانستن جرایم، آن است که بدانیم در وضعیت تعدد مادی جرم، مرتکب را به چه میزان مجازات محکوم نمائیم. مقنن

در بند «الف» ماده ۱۳۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است که اگر جرایم ارتكابی یکسان باشند «فقط یک مجازات» باید برای مرتکب تعیین شود. این حکم قانونی نشان می‌دهد که آن چیزی که مدنظر مقنن است، مواردی است که جرایم ارتكابی متعدد توسط متهم، همگی دارای یک نوع و میزان مجازات یکسان هستند و لذا حکم می‌کند که دادرس باید فقط یک فقره مجازات از میان این مجازات‌های یکسان را مورد حکم قرار دهد. بدیهی است اگر جرایم هم‌نام ارتكابی، دارای مجازات‌های قانونی متفاوتی باشند، دادرس در اجرای حکم مقرر در بند «الف» ماده ۱۳۴ به مشکل اجرایی و بن‌بست عملی برخورد می‌کند: فقط «یک مجازاتی» که برای این جرایم دارای مجازات‌های مختلف باید در دادنامه بنویسد، کدام مجازات است؟ به‌عنوان نمونه اگر جرایم متعدد ارتكابی شامل سرقت ساده (مستوجب سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق) و سرقت مقرون به یک شرط (مستوجب شش ماه تا سه سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق) و سرقت از محل وقوع حادثه (مستوجب یک تا پنج سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق)^۱ باشد، دادرس باید مرتکب را به کدام یک از این مجازات‌ها محکوم کند؟ ساده‌ترین پاسخ آن است که در این مورد تنها برای جرم اشد تعیین مجازات می‌شود و مطابق بند الف ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، دادگاه حسب مورد می‌تواند این مجازات را تشدید کند (طهماسبی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۵۴). اما این پاسخ قابل‌پذیرش به نظر نمی‌رسد. چراکه در جای‌جای ماده ۱۳۴ مورد بحث، هرکجا نظر مقنن بر تعیین مجازات اشد بوده است به‌صراحت به آن اشاره شده اما در بند «الف» چنین مجوزی داده نشده است. به بیان دیگر، انتخاب یک مجازات از میان چند مجازات مختلف آن هم مجازات اشد، مستلزم مجوز صریح قانونی است که این جواز از عبارت «یک مجازات» مستفاد نمی‌شود. به‌ویژه آنکه این اقدام آشکارا برخلاف قاعده تفسیر مضیق نصوص جزایی و تفسیر به نفع متهم است که در فرض فقدان مجوز صریح قانونی باید از آن اجتناب شود. همچنین اداره کل حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۷۸۲۹ مورخ ۱۳۸۱/۸/۳۰ خود در توجیه این راهکار که در این‌گونه موارد (و به‌طور خاص، موردی که مرتکب، چند فقره سرقت مرتکب شده که هر یک از آن‌ها منطبق بر ماده قانونی متفاوت با دیگری است و مجازات قانونی آن‌ها نیز با یکدیگر متفاوت است) باید حکم به مجازات اشد داده شود، به اخذ ملاک از ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰^۲ ناظر بر نحوه تعیین مجازات در تعدد معنوی

۱. به ترتیب موضوع مواد ۶۶۱ و ۶۵۶ و ۶۵۸ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی با این فرض که ارزش اموال مسروقه بیش از دویست میلیون ریال باشد.

۲. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ماده ۱۳۱ عیناً جایگزین آن در مقام تعیین تکلیف تعدد معنوی یا اعتباری شده است.

استناد جسته است. حال آنکه این احتجاج نیز قابل قبول نیست. چراکه تعدد مادی و معنوی ماهیتاً با یکدیگر متفاوت اند و قیاس آن دو با یکدیگر قیاس مع الفارق خواهد بود. توضیح آنکه آن چیزی که در لسان حقوق دانان کیفری تحت عنوان «تعدد معنوی» یا اعتباری شناخته می‌شود، ذاتاً و ماهیتاً تعدد جرم نیست بلکه نوعی تعارض قوانین است (باهری، ۱۳۹۶: ۳۸۹) و قاعده‌ای که مقنن در ماده ۴۶ سابق و ۱۳۱ فعلی تعیین کرده که بر آن اساس باید حکم به مجازات اشد داده شود، نه تعیین تکلیف تعدد جرم بلکه تعیین تکلیف نوع خاصی از تعارض قوانین است. به بیان دیگر هنگامی که قاضی کیفری در برخورد با یک رفتار واحد ارتكابی توسط متهم و هنگام یافتن عنوان مجرمانه و ماده قانونی منطبق بر این رفتار، با دو متن قانونی مختلف با عناوین مجرمانه مختلف مواجه می‌شود در واقع با دو قانون معارض مواجه شده و باید راهکاری برای حل این تعارض بیابد. در حالت عادی، رفع تعارض قوانین با قواعدی همچون قانون لاحق، قانون سابق را کنار می‌زند یا تخصیص قانون عام توسط قانون خاص صورت می‌پذیرد؛ اما مقنن در ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی (ماده ۴۶ سابق) مقرر می‌دارد که این نوع خاص از تعارض قوانین کیفری با تقدم قانون حاوی مجازات اشد بر قانون حاوی مجازات اخف، حل و فصل می‌گردد. بنابراین حکم جاری در تعدد معنوی که حکمی خاص در مقام حل تعارض قوانین است قابل تعمیم به تعدد مادی نخواهد بود.

چهارمین ایراد آن است که نگاهی به فرایند تدوین و تصویب قانون به خوبی مؤید آن است که این تفسیر قطعاً مغایر با نظر مقنن است. توضیح آنکه در متن مصوب ۱۳۹۸/۱۰/۱۵ مجلس شورای اسلامی برای قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در ماده ۱۵ پیش‌بینی شده بود که متن زیر به‌عنوان تبصره به ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی الحاق شود: «جرایمی از قبیل سرقت، جعل و کلاهبرداری که دارای گونه‌های مختلف با مجازات‌های متفاوت است و جرایمی که به شیوه‌های مختلفی قابل تحقق است، مثل صادرات، واردات، تولید، توزیع، حمل، نگهداری و استعمال مواد مخدر، همچنین جرایمی که به موجب قانون در حکم جرم دیگری محسوب می‌شود و یا مجازات جرم دیگری برای آن مقرر شده است و شروع و معاونت در این جرایم، متفاوت محسوب نمی‌شوند». اما شورای نگهبان با این عبارت که «در ماده ۱۵، موضوع اصلاح ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، اطلاق تبصره ماده ۱۳۴، در خصوص متفاوت محسوب نشدن جرایم مذکور» مغایر بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی است با این تفسیر مخالفت کرد و در نتیجه مجلس شورای اسلامی با حذف این تبصره به منظور تأمین نظر شورای نگهبان اقدام نمود. بنابراین و با در نظر گرفتن این واقعیت که قوه مقننه در ایران نظامی یک مجلسی اما دو رکنی است که هر یک از ارکان با وظایف خاص خود اقدام می‌نماید (هاشمی، ۱۳۹۴: ۸۹) باید گفت که یکسان دانستن کلیه جرایم هم‌نام یا هم‌خانواده، از آن جهت که

کاشف از نظر مقنن نیست، مورد پذیرش نمی‌باشد.

۲. وحدت عنصر قانونی

با توجه به ایرادات اساسی تفسیر نخست و به منظور رفع ایرادات آن، عده‌ای بر این باورند که جرایم موضوع یک ماده قانونی، یکسان به حساب می‌آیند.

۲-۱. تبیین تفسیر

بر مبنای این دیدگاه چنانچه اتهامات متعدد متهم، همگی منطبق بر یک ماده قانونی باشند از مصادیق جرایم یکسان به حساب می‌آیند و در غیر این صورت، حتی بر فرض یکسان بودن نام و گروه جرایم، جرایم مختلف خواهند بود (فرهی، ۱۳۹۹: ۱۲۲). به بیان دیگر از آنجا که در یک ماده قانونی، یک جرم، تعریف شده و مجازاتی برای آن مقرر می‌شود لذا کلیه رفتارهایی که منطبق بر این ماده قانونی باشند همگی جرم یکسان و غیرمختلف خواهند بود و در نتیجه دادرس در مقام تعیین مجازات به جای آنکه مرتکب را به چند فقره تحمل مجازات محکوم کند، صرفاً حکم به یک فقره مجازات مندرج در این ماده قانونی صادر خواهد کرد. به عنوان نمونه اگر شخصی مرتکب دو فقره سرقت ساده موضوع ماده ۶۶۱ و سه فقره سرقت موضوع ماده ۶۵۶ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی شده باشد، دو فقره سرقت ساده وی یکسان به حساب آمده و برای آن‌ها فقط یک مجازات تعیین می‌شود، سه فقره سرقت موضوع ماده ۶۵۶ نیز یکسان بوده و مستوجب یک مجازات است و این دو جرم، نسبت به یکدیگر متفاوت محسوب می‌شوند و در نتیجه از میان دو مجازات تعیین شده فقط مجازات اشد اجرا خواهد شد. مثال دیگر جرم‌انگاری موضوع ماده ۳ و ماده ۱۰ قانون صدور چک است؛ به رغم وحدت عنوان مجرمانه، مستندات قانونی این دو جرم یکی نیست، عنصر روانی در این جرایم یکسان نیست و مجازات‌های یکسانی نیز ندارد؛ بنابراین نمی‌توان بزه صدور چک بلامحل را با صدور چک از حساب مسدود مشابه دانست؛ زیرا هنگامی که قانون‌گذار برای اعمال ارتكابی دو عنوان انتخاب می‌کند و دو تعریف برای آن‌ها برمی‌گزیند و دو نوع مجازات تعیین می‌کند مشابه تلقی کردن آن‌ها اجتهاد در برابر نص است (آخوندی، ۱۳۷۹: ۱۹-۱۸).

۲-۲. ارزیابی تفسیر

نظریه وحدت عنصر قانونی، برخی ایرادات دیدگاه قبل را مرتفع ساخته و از این لحاظ قابل قبول‌تر می‌نماید. از جمله اینکه با پذیرش این دیدگاه، با چالش ناظر بر شناسایی جرایم هم‌نام مواجه نخواهیم شد، جرایم غیرهم‌سان به صرف حضورشان ذیل فصل واحد قانونی، هم‌سان به حساب نخواهند آمد، عمده مواردی که از نظر شورای نگهبان باید از مصداق جرایم هم‌سان خارج شوند با این دیدگاه از این دایره خارج خواهند شد. مضافاً اینکه کاربست این دیدگاه در عمل بسیار راحت است و دادرس به

سادگی می‌تواند جرایم غیرمختلف را از جرایم مختلف تفکیک نماید: اگر جرایم ارتكابی متعدد متهم همگی مشمول یک ماده قانونی باشند، جرایم یکسانی مرتکب شده است. اما به‌رغم وجود مزایای فوق، پذیرش این دیدگاه واجد ایراداتی است که ایجاب می‌کند در باب آن تأمل بیشتری صورت گیرد.

نخستین ایراد آن است که در فرضی که قانون‌گذار در یک ماده قانونی برای حالت‌های مختلف یک جرم، مجازات‌های متفاوتی مقرر کرده باشد، با یکسان دانستن همه این حالت‌ها، تعیین مجازات واحد برای همه آن‌ها میسر نخواهد بود و در نتیجه دادرس با ایراد سومی که در نقد دیدگاه نخست مطرح کردیم مواجه خواهد شد. توضیح اینکه گاه مقنن در یک ماده قانونی، اصل و اساس یک جرم را تبیین و تعریف نموده و در همان ماده قانونی، حسب نحوه ارتکاب یا وسیله ارتکاب یا نتیجه حاصل از جرم و مانند این‌ها، مجازات‌های متفاوتی برای آن جرم تعیین می‌نماید. به‌عنوان مثال در ماده ۵۰۴ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی برای جرم تحریک نیروهای رزمنده چنانچه اقدامات مرتکب مؤثر واقع شود دو تا ده سال حبس و در غیر این صورت شش ماه تا سه سال حبس پیش‌بینی شده است. حال اگر متهم مرتکب دو فقره تحریک نیروهای رزمنده شده باشد که در یک مورد، تحریک وی مؤثر بوده و در مورد دیگر مؤثر واقع نگردیده است، با یکسان دانستن این دو عنوان اتهامی، دادرس باید در مقام تعیین یک مجازات واحد، کدام یک از این دو مجازات را برگزیند؟ مورد مشابه را می‌توان در جرم جمع‌آوری اطلاعات طبقه‌بندی شده در دو وضعیت تحقق نتیجه یا عدم تحقق آن (ماده ۵۰۵ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی)، جرم تمرد در برابر مأمورین دولتی در سه وضعیت نشان دادن سلاح، دست بردن به سلاح و غیر این‌ها (ماده ۶۰۷ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی)، جرم شرکت در نزاع جمعی در سه وضعیت منتهی شدن به قتل یا نقص عضو یا ضرب و جرح (ماده ۶۱۵) مشاهده کرد که در کلیه این مثال‌ها چنانچه متهم دارای اتهامات متعدد منطبق بر یک ماده قانونی اما مشمول حالات مختلف آن و تبعاً مجازات‌های متفاوت باشد، اعمال حکم مندرج در بند «الف» ماده ۱۳۴ غیرممکن خواهد بود.

ایراد دوم وارد بر این دیدگاه آن است که بعضاً ممکن است در متن یک ماده قانونی، جرایم ماهیتاً متفاوت اما با مجازات یکسان پیش‌بینی شده باشد که در این صورت یکسان دانستن این جرایم به‌لحاظ حقوقی و عرفی محل اشکال است. به‌عنوان مثال در مواد ۵۲۴ تا ۵۲۹ و نیز ۵۳۶ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی قانون‌گذار، جرایم جعل و استفاده از سند مجعول را توأمان و یک‌جا در یک ماده قانونی جرم‌انگاری کرده و برای هر دوی این جرایم، مجازات یکسانی در نظر گرفته است. مورد مشابه را می‌توان در مواد قانونی زیر نیز یافت: رفتارهای ساختن، وارد کشور کردن، خرید، فروش یا ترویج سکه قلب (ماده ۵۱۸ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی)، رفتارهای ساختن،

نگهداری، به نمایش عمومی گذاردن، صادر کردن، وارد کردن، معامله کردن یا معرفی کردن آثار و اشیاء هرزه‌نگارانه (ماده ۶۴۰ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی)، رفتارهای ساخت، خرید، فروش، در معرض فروش گذاشتن، حمل، نگهداری، در اختیار دیگری قراردادن مشروبات الکلی (ماده ۷۰۲ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی)، رفتارهای دوازده‌گانه نسبت به مواد مخدر مذکور در ماده ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر.^۱ در این قبیل موارد هر چند با ایراد نخست از حیث تعیین مجازات واحد در فرض وقوع تعدد جرم مواجه نیستیم اما یکسان دانستن آن‌ها و تعیین تنها یک مجازات برای جرایمی که ذاتاً متفاوت‌اند صرفاً به این خاطر که این دو جرم متفاوت در یک ماده قانونی جرم‌انگاری شده‌اند، با منطق حقوقی و حتی فقهی حاکم بر نظام حقوقی ایران سازگار به نظر نمی‌رسد.^۲ چراکه در منابع فقهی نیز اعمال مجازات واحد بر مرتکب جرایم حدی یکسان، صرفاً در مواردی صورت می‌گیرد که مرتکب، جرایم ماهیتاً یکسانی مرتکب شده باشد (مثلاً مرتکب چندین فقره مصرف مسکرات شده باشد، یا مرتکب چندین فقره زنا شده باشد) اما هیچ‌گاه در ارتکاب جرایم حدی ماهیتاً متفاوت (مانند زنا و مساحقه، یا مانند مصرف مسکر و قذف) به صرف اینکه مجازات یکسانی دارند یا در یک متن و منبع فقهی واحد بدان‌ها اشاره شده باشد، حکم به مجازات واحد داده نمی‌شود و به لحاظ مختلف بودن این جرایم، از قاعده ناظر بر تعدد مادی جرایم مختلف استفاده می‌گردد.

۳. وحدت عناصر متشکله جرم

به منظور احتراز از ایرادات دیدگاه‌های قبل، این ایده مطرح می‌شود که جرایمی که در یک ماده قانونی آمده و اجزای عناصر تشکیل‌دهنده آن‌ها یکسان باشد، جرایم یکسان به حساب آمده و در غیر این صورت باید آن‌ها را مختلف دانست.

۳-۱. تبیین تفسیر

بر اساس این دیدگاه صرف بیان دو جرم در یک ماده قانونی برای یکسان دانستن آن‌ها کافی نیست بلکه از میان جرایم مندرج در یک ماده قانونی تنها آن‌هایی یکسان به حساب می‌آیند که اجزا و عناصر

۱. با در نظر گرفتن این واقعیت که به موجب رأی وحدت رویه شماره ۷۳۸ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۳۰ قواعد تعدد مادی جرم مندرج در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی در خصوص جرائم مواد مخدر نیز لازم‌الرعایه می‌باشد.
 ۲. به همین خاطر است که هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۶۲۴ مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۱۸ جعل و استفاده از سند مجعول را دو جرم مستقل و متفاوت دانسته و در مقام تعدد، محکومیت متهم به تحمل دو مجازات مستقل برای این دو جرم را لازم دانسته است و از همین رو اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه‌های مشورتی خود در مقام ارائه ضابطه برای تشخیص جرائم یکسان به استناد همین رأی وحدت رویه، این دو جرم را مختلف قلمداد کرده است. (نک: نظریه‌های شماره ۹۹/۷/۴۳۱ مورخ ۱۳۹۹/۴/۱۸ و شماره ۹۹/۷/۴۱۵ مورخ ۱۳۹۹/۴/۱۵)

متشکله آن‌ها نیز یکسان باشد. در این تفسیر مبنای تمایز جرایم مختلف و مشابه در تعدد جرم، عناصر سه‌گانه سازنده آن‌هاست (رایجیان اصلی، ۱۳۸۲: ۱۲). بنابراین در مثال‌های گذشته، جعل و استفاده از سند مجعول، جرایم یکسان به حساب نمی‌آیند چون از حیث عنصر مادی با رفتارهای متفاوتی ارتکاب می‌یابند: جعل با رفتارهای مندرج در ماده ۵۲۳ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی از قبیل ساختن، خراشیدن، تراشیدن، الحاق و... محقق می‌شود اما استفاده با رفتاری مانند ارائه کردن و به کار گرفتن رخ می‌دهد. همچنین رفتارهایی مانند ساختن، صادر کردن، فروش، خرید، نگهداری، استفاده و... نسبت به یکدیگر متفاوت محسوب می‌شوند. بنابراین اگر شخصی مشروبات الکلی را بسازد و بفروشد مرتکب دو جرم مختلف شده است. این دیدگاه دارای دو جنبه است: جنبه نخست سلبی است و ناظر بر آن است که هیچ‌یک از جرایم دارای عناصر متشکله متفاوت به صرف بیان‌شان در یک ماده قانونی، یکسان به حساب نمی‌آیند. جنبه دوم ایجابی و ناظر بر آن است که کلیه جرایم مندرج در یک ماده قانونی که دارای عناصر متشکله یکسان باشند، یکسان به حساب می‌آیند. بنابراین اگر شخصی مرتکب چندین فقره سرقت ساده شده باشد از آنجا که کلیه این سرقت‌ها واجد عنصر قانونی یکسان (ماده ۶۶۱ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی) و عناصر مادی و روانی یکسان هستند (همگی بدون وجود عناصر مشدده) از مصادیق جرایم یکسان محسوب شده و وفق بند «الف» ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی بابت کلیه این سرقت‌ها تنها یک مجازات تعیین خواهد شد.

قائلین به این دیدگاه را در دو دسته مجزا می‌توان شناسایی کرد: دسته نخست برای یکسان قلمداد کردن جرایم مندرج در یک ماده قانونی، وحدت و هم‌سانی کلیه اجزای عنصر مادی را ضروری دانسته‌اند و با تفاوت در هر یک از این اجزا (اعم از رفتار، زمان، مکان، وسیله ارتکاب، نحوه ارتکاب و نتیجه) آن جرایم را مختلف به حساب می‌آورند. به‌عنوان نمونه مقنن در ماده ۵ قانون مبارزه با مواد مخدر ارتکاب هریک از رفتارهای چهارگانه (شامل خرید، نگهداری، حمل، مخفی کردن) نسبت به برخی مواد شامل گراس، بنگ، چرس، تریاک، شیره، سوخته و... را در قالب یک ماده قانونی جرم‌انگاری کرده است. پیروی از دسته نخست موجب می‌شود قائل به این شویم که اگر شخصی چه مرتکب دو رفتار بر روی یک ماده شود (مثلاً تریاک را خریداری و حمل کند) و چه مرتکب یک رفتار بر روی دو ماده شود (مثلاً هم تریاک و هم گراس خریداری کند) در هر دو حالت، مرتکب جرایم مختلف شده و بر این اساس باید برای وی تعیین کیفر شود. در مقابل، دسته دوم بر این باورند که جزء سوم عنصر مادی یعنی شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم از عوامل غیر مؤثر در ایجاد تفاوت میان جرایم است (عابد، ۱۳۹۱)؛ و صرفاً تفاوت در رفتارها موجب مختلف شدن جرایم ارتكابی می‌شود اما اگر فرد مرتکب رفتارهای یکسان شده باشد حتی اگر این رفتارهای یکسان نسبت

به موضوع‌های مختلف یا منتهی به نتایج مختلف شده باشند این امر، جرایم ارتكابی را مختلف نمی‌کند و این جرایم باید یکسان به حساب آیند. بنابراین اگر تریاک را خریداری و حمل کرده باشد، مرتکب دو جرم مختلف شده اما اگر تریاک و گراس خریداری شده باشد این جرایم، یکسان به حساب می‌آیند. با این معیار، جرم‌هایی که دارای اشکال ساده و مشدد هستند (مانند سرقت) جرم‌های یکسان هستند و کیفیات مخففه و مشدده توان ایجاد تغییر ماهوی در عنصر مادی جرایم را ندارد؛ در نتیجه توجه به شرایط و اوضاع و احوال خاص هر جرم نمی‌تواند معیار مناسبی برای شناخت اختلاف میان جرایم یک طبقه باشد (عابد، ۱۳۹۱).

۲-۳. ارزیابی تفسیر

دیدگاه وحدت عناصر متشکله از این حیث که ایرادات دو دیدگاه قبل را مرتفع ساخته، دیدگاه قابل‌قبولی به نظر می‌رسد: دادرس را درگیر چالش برای یافتن اسم و عنوان جرایم نمی‌کند، جرایم ماهیتاً متفاوت مانند جعل و استفاده از سند مجعول را یکسان نمی‌داند و کاربست آن نیز به نسبت دیدگاه نخست ساده‌تر است. با وجود این برخی ملاحظات ممکن است در پذیرش این دیدگاه تردیدهایی ایجاد نماید.

مهم‌ترین ایراد وارد بر این دیدگاه آن است که جنبه ایجابی آن در برخی موارد ممکن است دادرس را با مشکل مواجه سازد. توضیح آنکه ممکن است قانون‌گذار در یک ماده قانونی صرفاً یک جرم با یک مجموعه عناصر متشکله تعریف کرده باشد اما برای وضعیت‌های مختلف آن، مجازات‌های مختلفی مقرر نماید. به‌عنوان نمونه اگر شخصی مرتکب دو فقره تخریب اموال موضوع ماده ۶۷۷ شده باشد که در یکی از آن‌ها میزان خسارت وارده بیش از یکصد میلیون ریال (و در نتیجه مستوجب سه تا هجده ماه حبس باشد) و در دیگری میزان خسارت وارده کمتر از یکصد میلیون ریال (و در نتیجه مستوجب جزای نقدی تا دو برابر میزان خسارت وارده) باشد در این صورت به‌رغم آنکه جرایم متعدد ارتكابی دارای عناصر متشکله یکسان هستند اما چون مستوجب مجازات‌های متفاوتی هستند لذا یکسان دانستن آن‌ها در عمل، دادرس را با این مشکل مواجه می‌کند که در مقام تعیین کیفر در اجرای حکم مقرر در بند «الف» ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی و تعیین مجازات واحد، کدام‌یک از این دو مجازات را به‌عنوان مجازات واحد مورد حکم قرار دهد. مشکل مشابه در مواردی رخ می‌دهد که شخص مرتکب دو فقره کلاهبرداری یا دو فقره انتقال مال غیر شده باشد که ارزش مال موضوع جرم در یکی از آن‌ها بیش از یک میلیارد ریال و در دیگری کمتر از این میزان باشد. همچنین در مواردی که شخص مرتکب چند فقره سرقت شده باشد که همگی مشمول ماده ۶۵۶ کتاب تعزیرات باشند اما ارزش مال مسروقه در برخی از آن‌ها کمتر از دو بیست میلیون ریال و در برخی

دیگر کمتر از این نصاب باشد. در هریک از این موارد به‌رغم آنکه جرایم متعدد ارتكابی دارای نام یکسان، ماده قانونی یکسان و عناصر متشکله یکسان هستند اما با «غیرمختلف» محسوب کردن آن‌ها نمی‌توان برای آن‌ها در مقام تعدد جرم، تعیین کیفر نمود.

۴. وحدت عناصر متشکله و مجازات

به‌منظور مرتفع ساختن ایرادات پیش‌گفته، دیدگاه چهارم بر این باور است که علاوه بر وحدت عناصر تشکیل دهنده جرایم، مجازات قانونی آن‌ها نیز باید یکسان باشد تا آن جرایم، «غیرمختلف» محسوب شوند.

۴-۱. تبیین تفسیر

بر اساس این دیدگاه برای یکسان دانستن جرایم علاوه بر اینکه لازم است جرایم متعدد ارتكابی توسط متهم، دارای عنوان و عنصر قانونی و اجزای متشکله و ماهیت یکسانی باشند ضروری است مجازات مقرر قانونی آن‌ها نیز یکسان باشد تا بتوان برای آن‌ها مجازات واحد در نظر گرفت (پوربافرانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۵۵). بنابراین اگر شخصی که فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری است مرتکب دو فقره جیب‌بری موضوع ماده ۶۵۷ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی شده باشد که در یکی از آن‌ها ارزش مال مسروقه کمتر از دویست میلیون ریال (و مستوجب شش ماه تا دو سال و نیم حبس و تا ۷۴ شلاق) و در دیگری بیش از این میزان (و مستوجب یک تا پنج سال حبس و تا ۷۴ شلاق) باشد، این دو اتهام متهم را باید از مصادیق ارتکاب جرایم مختلف دانست و بر این اساس مبادرت به تعیین کیفر نمود.^۱ همچنین اگر شخصی مرتکب چهار فقره کلاهبرداری شده باشد که میزان مال موضوع جرم در دو فقره از آن‌ها کمتر از یک میلیارد ریال (و در نتیجه مستوجب شش ماه تا سه سال و نیم حبس و جزای نقدی) و در دو فقره دیگر بیش از این مبلغ (و در نتیجه مستوجب یک تا هفت سال حبس و جزای نقدی) باشد، دو فقره جرم نخست، یکسان و دو فقره جرم دوم نیز یکسان و هر یک از این دو دسته نسبت به یکدیگر متفاوت محسوب خواهند شد.

۱. کاربست این دیدگاه در رویه قضایی در دادنامه زیر مشهود است: دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۲۲۱۴۵۰۲۲۲۶ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۶ صادره از شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو رودهن که در آن ارتکاب هفت فقره سرقت از منزل با ارزش اموال مسروقه بالاتر از دویست میلیون تومان همگی جرائم یکسان به شمار آمده و در مقابل، ارتکاب یازده فقره سرقت از منزل با ارزش اموال مسروقه کمتر از دویست میلیون تومان نیز همگی یکسان به حساب آمده‌اند و در نهایت این دو دسته نسبت به یکدیگر متفاوت محسوب شده‌اند و در نتیجه بابت هفت سرقت دسته نخست تنها یک مجازات مشدد و بابت یازده سرقت دسته دوم نیز تنها یک مجازات مشدد تعیین شده و نهایتاً مقرر گردیده که از میان این دو مجازات صرفاً مجازات اشد قابلیت اجرا دارد.

۲-۴. ارزیابی تفسیر

به نظر می‌رسد این دیدگاه در مقایسه با سایر تفاسیر ارائه‌شده دارای ایرادات کمتری باشد و به نوعی با برطرف کردن ایرادات قبل، تا زمانی که رویه واحدی از سوی قانون‌گذار یا هیئت عمومی دیوان عالی کشور شکل گیرد، دیدگاه حقوقی‌تر و قابل‌پذیرش‌تری باشد. چراکه برای هم‌سان دانستن جرایم به صرف هم‌نام بودن یا هم‌فصل بودن آن‌ها اکتفا نمی‌کند، جرایمی را یکسان می‌داند که دارای ماهیت و ذات یکسانی هستند، عناصر متشکله آن‌ها کاملاً با یکدیگر مشابه است و به واسطه داشتن مجازات قانونی یکسان، قابلیت اعمال قاعده تعدد مادی جرایم یکسان مندرج در بند «الف» ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی را دارد. مضافاً اینکه با اصول حقوقی - فقهی نیز سازگارتر است. در ملاحظه منابع فقهی نیز مشاهده می‌شود که اصل بر عدم تداخل مجازات‌هاست و وضوح این ادعا به حدی است که برخی در آن ادعای اجماع کرده‌اند (حاجی‌ده‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰۳) بر این اساس که هر جرم سببی است که مسبب آن مجازات است. هر سبب نیز در ایجاد مسبب خود به‌نحو استقلال عمل می‌کند مگر آنکه دلیل یا قرینه‌ای خلاف آن وجود داشته باشد. بنابراین در فرضی که اسباب مختلفی وجود دارند هر یک مستقلاً در ایجاد مسبب خود تأثیر خواهد داشت در عین اینکه هیچ‌یک نافی تأثیر دیگری نخواهد بود. بدین‌سان در فرض تعدد جرایم، هر جرم مقتضی اعمال مجازات قانونی خود است و نه جرایم و نه مجازات‌ها هیچ‌یک در یکدیگر تداخل نمی‌کنند (ذاکر حسین، ۱۳۸۸: ۲۵-۳۱). بنابراین به نظر می‌رسد در نظام حقوق کیفری فعلی ایران باید با تأسیس یک اصل قائل به این شد که «اصل بر مختلف بودن جرایم است» و در نتیجه در موارد مشکوک و مورد تردید، جرایم متعدد ارتكابی توسط متهم را باید از مصادیق جرایم مختلف در نظر گرفت و بدون حصول یقین از توسعه دامنه جرایم یکسان پرهیز نمود. مسئله‌ای که وجود چنین اصلی را تقویت می‌کند نحوه تدوین و نگارش ماده ۱۳۴ اصلاحی قانونی مجازات اسلامی است: از یک‌سو بنای ماده قانونی مزبور و کانون توجه آن بر بیان حکم تعدد مادی جرایم مختلف بنا شده است و از سوی دیگر در بند «الف» این ماده در فراز هرگاه جرایم ارتكابی «مختلف نباشد» مقنن از میان دو عبارت «جرایم یکسان و غیریکسان» و «جرایم مختلف و غیرمختلف»، عبارت اخیر را برگزیده و این‌گونه القا می‌کند که اصل بر مختلف بودن جرایم است؛ جرایم تعریف‌شده در قوانین اصولاً مختلف‌اند و غیرمختلف بودن آن‌ها نیاز به بررسی و کشف دارد. بر این اساس دیدگاه چهارم از آن جهت که دامنه جرایم یکسان را در مقایسه با سایر تفاسیر، محدودتر می‌سازد قابل‌دفاع‌تر می‌نماید. دیگر مزیت این دیدگاه آن است که با اصول حقوق کیفری و مبانی تشدید مجازات در حالت تعدد مادی جرم سازگارتر است. چراکه منطبق حقوقی و اصول عدالت کیفری اقتضا می‌کند شخصی

که مرتکب چند جرم شده در معرض مجازاتی قرار گیرد متفاوت با شخصی که فقط مرتکب یک جرم شده است. به بیان دیگر فلسفه تشدید مجازات مرتکب جرایم متعدد، از یکسو اجرای عدالت و تعیین مجازاتی متفاوت با شخص مرتکب جرم واحد است و از سوی دیگر تشویق مرتکب جرم واحد به اینکه حتی اگر یک مرتبه یک جرم را انجام داد جهت احتراز از عواقب تشدید مجازات جرایم متعدد، از ارتکاب جرایم بعدی انصراف داده و در همان جرم نخست باقی بماند. نیل به این فلسفه و اهداف ایجاب می‌کند که مجازات تعدد جرم، بیش از مجازات جرم واحد باشد و در این میان یکسان بودن یا نبودن جرایم ارتكابی بی‌تأثیر خواهد بود. به همین جهت است که در قوانین کیفری سایر کشورها چنین تفاوتی مشاهده نمی‌شود (Larquier et al., 2008: 164) حال که قانون‌گذار ایران برخلاف این مبانی و اهداف مبادرت به تفکیک میان جرایم مختلف و غیر آن نموده و با عنایت به اینکه تعیین مجازات واحد برای جرایم متعدد یکسان، مغایر اصول حقوقی فوق است تفسیر چهارم که دامنه جرایم یکسان را تا حد امکان محدودتر می‌سازد، تفسیر صحیح‌تری قلمداد می‌شود.

نتیجه

قانون‌گذار ایران در اصلاحیه‌ای که به موجب ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری بر ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی وارد کرد، تعیین مجازات مرتکبین جرایم متعدد را بدو تابعی از مختلف بودن یا نبودن جرایم متعدد ارتكابی قرار داد با وجود این ضابطه تفکیک این جرایم از یکدیگر را ارائه نموده است. در میان تفاسیر محتمل و موجودی که از این مسئله مطرح می‌گردد دیدگاه وحدت عنوان مجرمانه به دلایل مختلف قابل پذیرش نیست: جرایم غالباً دارای نام مشخص و قانونی نیستند، عناوین عرفی آن‌ها تابع سلايق افراد است، با سوابق فقهی و تقنینی موضوع سازگار نیست، امکان انتخاب و تعیین مجازات واحد برای همه جرایم در برخی موارد وجود نخواهد داشت. دیدگاه وحدت عنصر قانونی و وحدت کلیه عناصر متشکله جرم نیز در مواردی که در یک ماده قانونی جرایم ماهیتاً متفاوت یا دارای مجازات متفاوت وضع شده‌اند با ایرادات مشابهی مواجه می‌گردد.

در این میان به منظور احتراز از ایرادات پیش‌گفته و ایجاد امکان عملی برای اعمال قاعده تعدد جرم در جرایم یکسان وفق بند «الف» ماده ۱۳۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی (یعنی صدور حکم به تنها یک فقره مجازات برای جرایم متعدد غیرمختلف) باید قائل به این شد که صرفاً جرایمی غیرمختلف به حساب می‌آیند و تابع قاعده اخیرالذکر هستند که کلیه عناصر و ارکان متشکله و حتی مجازات قانونی آن‌ها نیز کاملاً یکسان باشند. عدم پذیرش این دیدگاه و قائل شدن به هر یک از دیدگاه‌های فوق موجب می‌شود که در مقام تعیین «تنها یک مجازات» برای جرایم ارتكابی ناچار به انتخاب مجازات اشد شویم که این امر به لحاظ فقدان نص و تصریح قانونی از یکسو و مغایرت آن

با اصل تفسیر مضیق نصوص جزایی از سوی دیگر در تقابل آشکار با اصل قانونی بودن مجازات‌ها منعکس در اصل سی و ششم قانون اساسی قرار گیرد. بدیهی است کلیه تفاسیر و تحلیل‌های ارائه شده در این نوشتار ناشی از سکوت و ابهام قانونی و فقدان وحدت‌رویه قضایی در خصوص موضوع و در راستای اصل هفتاد و سوم قانون اساسی^۱ بوده و راه حل اساسی برون‌رفت از این ابهامات قضایی در وهله اول، تعیین تکلیف صریح موضوع توسط مقنن و در وهله دوم صدور رأی وحدت‌رویه از سوی هیئت عمومی دیوان عالی کشور است.



۱. اصل هفتاد و سوم قانون اساسی: «شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان در مقام تمیز حق، از قوانین می‌کنند نیست».

منابع

فارسی

- آخوندی، محمود (۱۳۷۹)، «جرایم مشابه و تشدید مجازات: نقد و توجیه یک رویه قضایی»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره ۶.
- آقایی‌نیا، حسین و هادی رستمی (۱۳۹۷)، حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- احمدزاده، رسول و مجتبی تام (۱۳۹۹)، ملاحظاتی درباره قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، چاپ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۶)، حقوق جزای عمومی، جلد سوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
- اعظمی، علی اصغر، مسعود حیدری و محمدجواد جعفری (۱۳۹۷)، «بررسی تعدد نتیجه و مقایسه آن با تعدد جرم»، پژوهش حقوق کیفری، سال هفتم، شماره بیست و پنجم.
- الهام، غلامحسین (۱۳۷۲)، مبانی فقهی و حقوقی تعدد جرم، چاپ اول، تهران: نشر بشری.
- باهری، محمد (۱۳۹۶)، حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، تهران: نگاه معاصر.
- پوربافرانی، حسن (۱۳۸۴)، «نقد سیاست جنایی حدودمحمور در مقررات تعدد و تکرار در حقوق کیفری ایران»، قم، مجله نامه مفید، شماره ۴۹.
- پوربافرانی، حسن (۱۳۸۴)، «تعدد و تکرار جرم در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه‌نامه حقوق.
- پوربافرانی، حسن، اصغری احمدی و جواد پولادی (۱۳۹۹)، «چالش‌های اعمال قواعد تعدد جرم نسبت به اشخاص حقوقی»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۸۴، شماره ۱۱۱.
- پیمانی، ضیاءالدین (۱۳۷۴)، بررسی تاریخی و تطبیقی قاعده تعدد جرم، چاپ اول، قم: انتشارات مجتمع آموزش عالی قم.
- جعفری، مجتبی (۱۳۹۲)، «تعدد جرم و آثار آن در قانون جدید مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)»، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره پنجم.
- حاجی ده‌آبادی، احمد، امیر باقرزادگان و محمد میرزایی (۱۳۹۵)، «جایگاه تعدد نتیجه در حقوق کیفری ایران»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال هفتم، شماره اول.
- ذاکر حسین، محمد هادی (۱۳۸۸)، «چشم انداز تعدد جرم از افق مبانی فقهی»، مجله دادرسی، فروردین و اردیبهشت، شماره ۷۳.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۲)، «تحلیلی بر مقررات تعدد جرم و دشواری‌های آن»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره ۲۸ و ۲۹.
- رسولی زکریا، علی (۱۳۹۹)، شرح قانون کاهش مجازات حبس تعزیری؛ تفسیری-انتقادی، چاپ اول، تهران: انتشارات کتاب آوا.
- زراعت، عباس (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی ۳، مجازات‌ها و اقدامات تأمینی، جلد ۲، چاپ دوم، تهران: جنگل جاودانه.

- شکری، رضا، قادر سیروس (۱۳۸۳)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، تهران: نشر مهاجر.
- شیخ الاسلامی، عباس (۱۳۹۵)، تعدد جرم؛ نظریه‌ها و رویه‌ها، چاپ اول، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- طاهری نسب، یزدالله (۱۳۸۱)، تعدد و تکرار جرم در حقوق جزا، چاپ اول، تهران: نشر دانشور.
- طهماسبی، جواد، مجید عطایی جنتی و پیمان مریبی (۱۴۰۰)، تحلیل کاربردی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، چاپ سوم، قم: حقوق پویا.
- عابد، رسول (۱۳۹۱)، «ضابطه‌ای برای اختلاف جرایم در اعمال قاعده تعدد مادی جرم»، مجله پیام آموزش (معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه)، سال دهم، شماره ۵۵.
- عابدی، احمدرضا (۱۳۹۹)، نگرشی کاربردی به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، چاپ دوم، قم: نشر طه.
- علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۹۲)، حقوق جنائی، جلد دوم، تهران: انتشارات فردوسی.
- فرهی، بابک (۱۳۹۹)، یادداشت‌هایی بر قانون کاهش مجازات حبس، چاپ اول، تهران: انتشارات کولاد.
- فروغی، فضل‌الله و بهزاد جودکی (۱۳۹۴)، «تعدد نتیجه در جرایم تعزیری بر اساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۰.
- مصدق، محمد (۱۳۹۹)، شرح قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، چاپ چهارم، تهران: جنگل.
- میرمحمدصادقی، حسین و علیرضا درزی رامندی (۱۳۹۹)، «بررسی تطبیقی تعدد جرم در حقوق کیفری ایران و آمریکا»، دو فصلنامه علمی حقوق تطبیقی، دوره هفتم، شماره یک، شماره ۱۳.
- نوربها، رضا (۱۳۸۲)، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: نشر میزان.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۹۴)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت و نهادهای سیاسی، جلد دوم، چاپ بیست و ششم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

فرانسه

- Larguier, Jean et Conte, Philippe et Patrick Maistre du Chambon (2008), **Droit Pénal Général**, 21th édition, Paris, Dalloz.